آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۴۵۳
چهارشنبه
۱۴۰۵•۰۵•۲۸
۰۶ ربیع الاول ۱۴۴۸ / ۱۹ اوت ۲۰۲۶

ذره بین

«آرمان ملی» از اظهارات عجیب سلمان سامانی گزارش می‌دهد

چه کرده‌ای که می‌ترسی؟

آرمان ملی- عماد موحد: آژانس خدمات مرزی کانادا خبر داد که سلمان سامانی، قائم مقام عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور پیشین ایران از کانادا اخراج شده است. در بیانیهٔ این آژانس آمده که این اقدام در راستای منافع ملی کانادا انجام شده است. سلمان سامانی دومین مقام رسمی پیشین جمهوری اسلامی است که بر اساس قانونی که ۴ سال پیش در کانادا تصویب شد و اقامت مقامات عالی‌رتبهٔ جمهوری اسلامی در این کشور را ممنوع کرد، از کانادا اخراج شده است. اخراج سلمان سامانی، معاون و سخنگوی سابق وزارت کشور ایران، از کانادا افکار عمومی را با این سوال مواجه کرده است که چرا کسی مانند سامانی که مسئولیت مهمی در کشور داشته باید از کشور خارج شود و به کانادا مهاجرت کند؟ آژانس خدمات مرزی کانادا تأیید کرده که سامانی پس از رد درخواستش در دادگاه فدرال، از این کشور اخراج شده است. نکته مهم در این پرونده آن است که سامانی چه زمانی و چگونه وارد کانادا شده بود. او در مرداد ۱۴۰۰، پس از پایان کار دولت روحانی، با ویزای توریستی صادرشده از سوی سفارت کانادا در آنکارا وارد کانادا شد. بنابراین ورود او به کانادا پیش از تصمیم دولت کانادا برای ممنوع کردن ورود و اقامت مسئولان ارشد صورت گرفت. سامانی تا قبل از خروج از ایران در دولت حضور داشته است. او هم قائم‌مقام وزیر کشور بود و هم به عنوان سخنگوی این وزارتخانه فعالیت می‌کرد. در گزارش آژانس خدمات مرزی کانادا آمده است که سامانی در ایران نفوذ قابل توجهی داشته است. ورود او به کانادا از ابتدا بدون پرسش نبود و خبرهایی در این باب که مقام‌های کانادایی درباره سوابق حکومتی او سؤال کرده‌اند در رسانه‌ها منتشر شد.

حرف‌هایی همچون باد هوا

پرونده سامانی در سال ۲۰۲۴ وارد مرحله جدی‌تری شد و هیئت مهاجرت و پناهندگی کانادا حکم اخراج او را صادر کرد. مبنای پرونده به جایگاه او در وزارت کشور مربوط بود. سامانی در جلسات رسیدگی، نقش خود در نقض حقوق بشر را انکار کرد و حتی تلاش کرد اهمیت جایگاهش در ساختار دولت را کمتر از آنچه مقام‌های کانادایی می‌دانستند نشان دهد. یعنی سامانی در تمام مدتی که در کشور حضور داشته، در مراتب بالای حاکمیتی بوده و حالا که از دولت فاصله گرفته، تلاش می‌کرده بر سابقه خود خط بکشد یا آن را ناچیز جلوه دهد تا مثلا مسئولان مهاجرت کانادا بپذیرند که او در کانادا باقی بماند؟ رفتار بسیار عجیبی است که از چنین فردی انتظار نمی‌رود. با صدور حکم اخراج، پرونده پایان نیافت. سامانی برای جلوگیری از بازگشت به ایران از مسیرهای حقوقی استفاده کرد و در سال جاری نیز تلاش کرد اجرای حکم را متوقف کند. او مدعی بود در صورت بازگشت به ایران ممکن است با خطر اعدام یا اقدامات انتقام‌جویانه مواجه شود. اما دادگاه فدرال کانادا این حرف‌ها را باد هوا دانست و درخواست او را رد کرد. در نهایت آژانس خدمات مرزی کانادا اعلام کرد که حکم اخراج اجرا شده است. درست است که سامانی از کانادا اخراج شده است اما حقیقتا باید به این سوال پاسخ دهد که در دوره مسئولیتش چه کرده که انتظار داشته وقتی به ایران برمی‌گردد با خطر مواجه شود؟ این اتفاق دقیقا در زمانی می‌افتد که مجلس برای جلوگیری از نفوذ کلیات طرحی را تصویب کرده است.

دریوزگی اقامت!

فاصله زمانی میان ورود سامانی به کانادا و اخراج او حدود پنج سال است. دوره‌ای که در آن سیاست کانادا نسبت به چنین موضوعاتی تغییر کرد و پرونده‌ای که در ابتدا با ورود یک مقام سابق با ویزای توریستی آغاز شده بود، به یک پرونده طولانی مهاجرتی و حقوقی تبدیل شد. این پرونده از این جهت نیز قابل توجه است که نشان می‌دهد تغییر سیاست دولت‌ها می‌تواند وضعیت حقوقی افرادی را که پیش از تغییر مقررات وارد یک کشور شده‌اند، به شکل اساسی تغییر دهد. سامانی در زمانی وارد کانادا شد که چنین ممنوعیتی هنوز برقرار نبود، اما پس از تغییر مقررات، سابقه سیاسی و دولتی او به مبنای روند اخراج تبدیل شد. ماجرای سلمان سامانی فقط داستان اخراج یک مقام سابق نیست؛ صرف نظر از دریوزگی او برای دریافت اقامت کانادا، نمونه‌ای از این مسئله است که چگونه یک تصمیم مهاجرتی در شرایط عادی می‌تواند، پس از تغییر مناسبات سیاسی میان دو کشور، به یک پرونده امنیتی و حقوق بشری تبدیل شود. پیشتر مجید ایرانمنش، مشاور فناوری معاون رئیس جمهور ایران هم بر اساس همین قانون از کانادا اخراج شده بود. علاوه بر اینکه مواردی از رد درخواست هم وجود دارد که وابستگان مسئولان نتوانسته‌اند وارد کانادا شوند. سلمان سامانی پیش از اقامت در کانادا به مدت ۱۴ سال در سمت‌های رسمی سیاسی جمهوری اسلامی مشغول به کار بوده است. حکم اخراج سلمان سامانی دو سال پیش، در روز اول فروردین ماه ۱۴۰۳ صادر شده بود؛ حکمی که با درخواست تجدید نظر او روبرو شد. اما سرانجام این هفته دادگاه فدرال تجدید نظر، درخواست او را رد و بر حکم اخراجش صحه گذاشت.

«آرمان ملی» مواجهه دولت با تندروها و مخالفان وفاق ملی را بررسی می‌کند

قاطعیت در تصمیم، اقتدار در برخورد

فرزانه ترکان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: پزشکیان در مقابل کارشکنان قاطع‌تر و مقتدرتر صحبت کند

آرمان ملی- حمید شجاعی: دولت چهاردهم مسعود پزشکیان با شعار وفاق ملی روی کار آمد و از همان ابتدا نیز این وفاق ملی را در عرصه عمل به اجرا گذاشت و در ماجرای معرفی کابینه و برخی انتصابات تلاش کرد تا تبلور وفاق در دولتش به‌وضوح دیده شود. حتی در برخی تصمیم‌ها و اقدامات دولت سعی پزشکیان و دولتش بر وفاق با مجلس و سایر جریانات بود؛ اما مشکلی که دولت طی ۲ سال اخیر با آن مواجه بوده و همچنان نیز ادامه دارد و مشخص نیست چه زمانی قرار است این مشکل حل و فصل گردد این است که اساسا با وجود رویکرد وفاقی رئیس جمهور در جهت وحدت و همگرایی برای حل مشکلات جامعه اما برخی جریانات هستند که به طور کلی نه پزشکیان، نه دولتش و نه وفاقش را قبول ندارند و اتفاقا نهایت تلاش خود را می‌کنند که این دولت را تضعیف و تخریب کنند و نگذارند در پی اهداف خود پیش برود. در چنین شرایطی پرسش این است که آیا با کسانی که از اساس به دنبال پایین کشیدن و زمینگیر کردن دولت هستند باید وفاق کرد یا سفت و محکم در مقابلشان ایستاد و آنها را به عقب راند؟ واقعیت این است که امروز این جریانات کمر به نابودی دولت پزشکیان بسته‌اند و از هیچ سعی و تلاشی هم دریغ نمی‌کنند. چنانکه مدت‌ها است پروژه به استعفا کشاندن رئیس جمهور را پیش می‌برند. حال صحبت با رئیس جمهور محترم است که وفاق را با اهل وفاق و همدلی می‌کنند. کسی قلبش برای کشور و نظام بتپد و دغدغه رشد و توسعه کشور را داشته باشد و در این مسیر از هیچ کوششی در جهت حمایت از دولت دریغ نمی‌کند. نه با کسانی که با دست چدنی و دستکش مخملی پذیرای دست دوستی و وفاق رئیس جمهور هستند. نکته اینجا است که امروز به جهت شرایط خاصی که بر کشور حاکم است و جامعه نیز همه ناکامی‌ها و مشکلات را از چشم دولت می‌بیند دولت باید نشان دهد که در عرصه عمل اقتدارش کجا است و کجا می‌ایستد که من مسئول و پاسخگو هستم. وضعیت ویژه مدیریت ویژه می‌خواهد در این مسیر باید همه در چارچوب‌های ترسیم شده از سوی روسای قوا به ویژه دولت به عنوان قوه اجراییه کشور حرکت کنند و هرگونه تحرکی خلاف تصمیمات اتخاذ شده و اقدامات صورت گرفته با برخورد قاطع مواجه گردد. اینکه در شرایط جنگی دولت که به قرائت مخالفانش عملکرد مطلوبی از خود به جای گذاشته؛ اما باز هم مورد هجمه و تخریب قرار گیرد؛ یا اینکه با تمام تلاش و جان بر کف در عرصه دیپلماسی فعالیت کند؛ اما در تشییع رهبر شهید انقلاب از برخی اشخاص و جریان‌های خاص توهین و ناسزا بشنوند و سازشکار خوانده شوند را با وفاق نمی‌توان جمع کرد و برخورد قاطع می‌خواهد. اقتدار دولت هر چقدر بیشتر باشد و با خودسری‌ها، تندروی‌ها و تحرکات خلاف منافع و انسجام ملی برخورد شود تندروها عقب خواهند نشست و بر حسب تصمیمات و اقدامات عمل خواهند کرد.

ایستادگی و اقتدار

شاید اگر از همان ابتدا دولت با اقتدار به میدان می‌آمد و وفاق را با رویکردی مجدانه‌تر پیش می‌برد شاید امروز نه تندروها آنقدر با وقاحت دولت را مورد حمله و تخریب قرار می‌دادند و نه دولت بابت کارهایی که انجام داده ناسزا می‌شنید. یک مورد کاملا آشکاری که می‌شد به مراتب خیلی بهتر درباره آن تصمیم گرفت و اقدام کرد برکناری محمدجواد ظریف معاون رهبردی پیشین رئیس جمهور بود. کسی که به اذعان بسیاری دست راست رئیس جمهور از ابتدای دولت تا زمان حضور بود. اما با فشارهای تندروها و متوسل شدن به سایر دستگاه‌ها به هر ضرب و زوری بود ظریف را از دولت بیرون کردند. در حالی که رئیس جمهور هیچ واکنش حمایتی در قبال معاون وقت خود انجام نداد و پای او ایستادگی نکرد. یا در باب پیشبرد وعده‌هایی مثل رفع فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی با وجود هزینه‌های گزاف چند همتی که بر دست دولت و حاکمیت می‌گذارد و تندروها صبح و شب تجمع و راهپیمایی می‌گذاشتند، در مقابل آنها نایستاد و رفع فیلترینگ را که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی به صلاح کشور بود دنبال نکرد. انتظار جامعه این بود که دکتر پزشکیان همان رویکردی که در قبال قانون حجاب داشت و از موضع رئیس شعام وارد شد و در مقابل این قانون ایستادگی کرد در سایر موارد مثل فیلترینگ یا... نیز ایستادگی می‌کرد. وفاق ملی و انسجام ملی قبول و همه به حفظ و تقویت آن معتقدیم؛ اما باید گفت آقای رئیس جمهور با بر هم زنندگان انسجام ملی هم وفاق می‌کنید یا در جهت منافع ملی از جایگاه رئیس شعام و پاسدار قانون اساسی از موضع قدرت و اقتدار برخورد می‌کنید؟

وفاق با تندروها؟

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص نوع مواجهه رئیس جمهور و دولت با تندروها اظهار داشت: آقای رئیس جمهور و دولت منتخب باید متوجه باشند که رای اکثریت جامعه پشت اینها بوده و هست و با توجه به اینکه مردم صد درصد مخالف تندروی‌ها و دخالت‌های بیجا در دستگاه‌های دولتی هستند باید به پشتوانه حمایت مردم، ایشان قاطع‌تر و مقتدرتر صحبت کند و در قبال کسانی که کارشکنی می‌کنند، در قبال مشکلاتی که به‌وجود می‌آید و مواردی که مردم به وضوح خواستار پیگیری هستند، مثل بحث تراستی‌ها و عدم برگشت دلارهای نفتی، باید این افراد معرفی شوند و قوه قضاییه بجد پیگیر این مسأله باشد و خواسته مردم روی این موضوع کاملا متمرکز است و قطعا آقای رئیس جمهور می‌تواند در این زمینه‌ها با حمایت از مردم حق مردم را مطالبه کند. فرزانه ترکان به «آرمان ملی» گفت: اگر کارشکنی‌هایی در دستگاه‌های اجرایی وجود داره که اجازه نمی‌دهد خدمت رسانی به مردم به سهولت انجام شود قطعاً باید برخورد گردد. وی افزود: در بحث مذاکرات و سیاست خارجی نباید تسلیم اقلیتی از جامعه شویم که خواهان تندروی و افزایش تنش هستند. مردم واقعا الان زیر بار فشار اقتصادی هستند و اگر بحث برداشت تحریم‌ها، مذاکره و رفع خطر جنگ انجام نشود ممکن است تا چند ماه آینده نارضایتی‌ها در جامعه کاری کند که دوباره بحث اعتراضات شکل بگیرد و آن زمان کنترل این اعتراضات بسیار سخت‌تر از قبل خواهد بود. عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی بیان کرد: به نظر من آقای رئیس جمهور باید به وضوح با مردم حرف بزند، واقعیت‌ها را به مردم بگوید و از خودخوری و سانسور صحبت‌ها و بیان واقعیت‌ها جلوگیری کند و با مردم روراست باشد و بلندگوهایی را که در داخل کشور خلاف انسجام ملی عمل می‌کنند، به آتش جنگ دامن می‌زنند و فشار را روی مردم تشدید می‌کنند قطع کرده و به مردم معرفی کند. ترکان تصریح کرد: رئیس جمهور باید وفاق با مردم را جدی بگیره نه وفاق با برخی جریانات تندرو و اقلیتی که بلندگوهای رسانه‌ای مثل صداوسیما در اختیارشان است و کاملا حرف غیر منطقی می‌زنند. مماشات کردن با کسانی که به فکر رفع مشکلات کشور نیستند خیانت به مصالح ملی است.

«آرمان ملی» طرح تصویب شده درباره مقابله با نفوذ را بررسی می‌کند

نفوذ اطلاعاتی، پاسخ فرهنگی!

آرمان ملی- مرتضی خبازیان: چند روزی از تصویب کلیات «طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور» می‌گذرد. این طرح با تعداد آرای قابل توجه تصویب شده و فعلا در مرحله رسیدگی به جزییات قرار دارد. طرح کلیات در رسانه‌های کشور واکنش‌هایی را پدید آورد و ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دوازدهم خبر داد که این طرح در نخستین هفته‌های بازگشایی مجلس به صحن خواهد آمد. در بین مجموعه اظهارنظرهایی که درباره این طرح صورت گرفته، سخنان عباس گودرزی توجه را جلب می‌کند. او در مقام سخنگوی هیات رئیسه مجلس گفته است: در این طرح هرگونه فعالیت یا ارتباط اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از ایرانی یا خارجی که موجب نقض استقلال، حاکمیت، امنیت ملی و هویت ایرانی-اسلامی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و یا تسهیل نفوذ و سلطه و سیطره بیگانگان بر منافع جمهوری اسلامی ایران شود بر اساس جرم انگاری صورت گرفته در این طرح، متخلفان مجازات خواهند شد. حسن قشقاوی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در دفاع از این طرح گفته است: «در موضوع جاسوسی قانون داریم، اما در حوزه نفوذ، خلأ قانونی وجود داشت. ضرورت تصویب قانون برای مقابله با نفوذ برای همه دستگاه‌های ذی‌ربط محرز و مسلم است و این طرح با هدف ایجاد چارچوب قانونی مشخص برای شناسایی، پیشگیری و مقابله با نفوذ تهیه شده است». تأمین امنیت ملی، خلأ قانونی و جلوگیری از جنگ ترکیبی از جمله دلایلی بوده که در پس این طرح قرار داشته است. اما این طرح مخالفانی هم داشته است. عثمان سالاری نایب رئیس دوم کمیسیون قضایی و حقوقی با طرح این اشکال که مطابق نظریه تفسیری شورای نگهبان، هر طرح یا لایحه‌ای که ماهیت قضایی و حقوقی داشته باشد، باید نظر قوه قضاییه درباره آن اخذ شود، گفته است: «تا آنجا که اطلاع دارم، در فرآیند بررسی این طرح نظر قوه قضاییه اخذ نشده و این قوه مورد مشورت قرار نگرفته است. متأسفانه در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، قاضی یا حقوقدانی که با اصول کلی حقوقی و عمومات قانونی آشنایی داشته باشد، حضور ندارد و اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی نیز در بررسی این طرح مورد مشورت قرار نگرفته‌اند». محسن زنگنه نماینده مردم تربت حیدریه نیز با طرح این پرسش که آیا موافقان این طرح، بندهای آن را به صورت دقیق بررسی کرده‌اند، گفته است: «در این طرح به همه حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی تعرض شده و بر اساس ماده ۳ آن از این به بعد انجام تمامی فعالیت‌های دستگاه‌های مشمول این قانون باید در سامانه ثبت و دریافت مجوز پیش‌بینی شده است و در واقع با این ماده از تمامی فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری خواهد شد».

نگاه دقیق‌تر به طرح

با اینکه موافقان این طرح معتقدند که فعلا کلیات تصویب شده و هنوز برای بررسی جزییات فرصت هست و با همین نگاه، فارس نوشته است که نسبت دادن همه مواد و مجازات‌های منتشرشده به قانون مصوب فعلاً دقیق نیست و حتی مرکز رسانه مجلس درباره برخی برداشت‌ها از متن طرح توضیح داده است. با این حال می‌توان تصور کرد چه نگاهی پشت تصویب این طرح وجود داشته است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایلی که طراحان سراغ آن رفته‌اند، بعد از ماجرای ضربات امنیتی بوده و حال درصدد رفع حفره‌ها و پیشگیری از تکرار آن هستند. احتمالاً مهم‌ترین انگیزه واقعی، احساس یک شکاف امنیتی جدی است. وقتی کشور در معرض عملیات اطلاعاتی و نظامی قرار گرفته، طبیعی است که بخشی از حاکمیت به این نتیجه برسد که باید دایره کنترل و شناسایی ارتباطات مشکوک را افزایش دهد. احتمالا این نتیجه به دست آمده که «نفوذ فقط در اتاق فرماندهان اتفاق نمی‌افتد؛ باید محیط اجتماعی را که ممکن است سرویس‌های خارجی از آن نیرو، اطلاعات یا پوشش بگیرند نیز کنترل شود»، و قابل درک است، اما این همان نقطه‌ای است که احتمال انحراف وجود دارد. ممکن است در ذهن برخی طراحان، تصویر این نیست که مامور خارجی وارد کشور می‌شود و اطلاعات جمع می‌کند، بلکه باید این تصویر باشد که فضا از قبیل رسانه، دانشگاه، فرهنگ و شبکه اجتماعی باعث شکل‌گیری ارتباط با خارج می‌شود و از این ارتباط فرد جذب شده و اطلاعات منتقل می‌شود. از این منظر، حتی فعالیتی که خودش جاسوسی نیست، ممکن است بخشی از محیط مساعد برای جاسوسی تلقی شود. به همین دلیل است که در طرح، حوزه‌هایی مثل رسانه، فرهنگ و هنر نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند و در حوزه فرهنگ و هنر، نقش ضابطان و مراجع قضایی می‌تواند پررنگ‌تر شود. یعنی احتمالا گفته نمی‌شود که «یک فیلمساز جاسوس است» بلکه ممکن است گفته شود «محیط فرهنگی می‌تواند محل اثرگذاری سرویس خارجی قرار گیرد». طراحان احتمالا یک تعریف حداکثری از امنیت دارند و در این تعریف امنیت فقط به معنای سالم ماندن تأسیسات نظامی یا کشف جاسوس نیست. فرهنگ، سبک زندگی، رسانه، پوشش و رفتار اجتماعی نیز می‌تواند بخشی از امنیت تلقی شود. مثلاً در نقشه مهندسی فرهنگی کشور صراحتاً از ارتقای سطح امنیت فرهنگی و مقابله با تهدیدهای «جنگ نرم» سخن گفته شده و حتی هویت‌زدایی، ناامنی و بی‌اعتمادی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و القای ناکارآمدی نظام اسلامی در زمره این تهدیدها قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت ذهنیتی که چنین طرح را تنظیم کرده از مدت‌ها قبل، فرهنگ را بخشی از امنیت می‌دانسته است و مسئله امروز این است که چنین نگاهی به مسئله نفوذ اطلاعاتی تعمیم داده شده است. البته این همه در صورتی است که در بررسی جزییات، تغییر معناداری صورت نگیرد.

شکار جاسوس

با توجه به اهمیت مساله نفوذ و الزامی که در پس کنترل آن نهفته است، اگر نمایندگان مجلس و طراحان این طرح می‌خواهند بر نفوذ تمرکز کرده و جلو آن را سد کنند، باید خود را برای پاسخ دادن به سوال‌های جدی آماده کنند. این سوال‌ها معطوف به اتفاقات افتاده است. آیا کسی از بین نماینده‌ها به سخنان عراقچی توجه کرده است؟ آیا غیر از قوه قضاییه که نسبت به سخنان عراقچی واکنش نشان داد و از او خواست مستندات خود را به این قوه ارائه دهد، آیا نماینده‌های مجلس به این مهم توجه دارند که باید به کدام سو نظر کنند؟ بستن راه نفوذ فرهنگی و... به جای خود محفوظ، آیا نماینده‌ها توجه دارند که بخش موثری از نفوذ در چه ساحتی جریان دارد؟ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست وارد حریم‌های حساس می‌شود. آیا نماینده‌های طراح فکری برای چگونگی مواجهه با این حریم‌های حساس کرده‌اند؟ نگرانی از این است که جامعه تصور کند که نماینده‌های مجلس دچار جابجایی مساله شده باشند. با همه اینها یک احتمال دیگر را نباید نادیده گرفت. ممکن است بخشی از نمایندگان اصلاً چنین نگاهی نداشته باشند و یا به این سوال‌ها فکر نکنند. آنها ممکن است تحت تأثیر فضای سیاسی و امنیتی موجود، صرفاً با این منطق رأی داده باشند که کشور در وضعیت جنگی است؛ پس هر قانونی که دست دشمن را ببندد، باید تصویب شود. این توضیح با واقعیت سیاسی مجلس هم سازگار است. حتی در میان نمایندگان موافق، مخالفت با اصل مقابله با نفوذ مطرح نبوده، بلکه انتقادهایی درباره منقح و منسجم نبودن طرح و تبدیل مقابله با نفوذ به مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و احکام پراکنده مطرح شده است. اما غلبه یک نگاه خاص به مفهوم امنیت در طراحی طرح قابل مشاهده است. ممکن است طراحان طرح واقعاً قصد داشته باشند با نفوذ مقابله کنند، اما اگر تعریف آنها از محیط نفوذ آن قدر گسترده شود که بخش بزرگی از جامعه را دربر بگیرد، در نهایت به جای شکار جاسوس، جامعه را شکار می‌کنند.

گزارش

چرخش تهران به سمت رویکرد تهاجمی

چرا عمان هدف جدید فوران خشم ترامپ شد؟

کاخ سفید هفته‌ها وعده داده بود که به امضای توافق با ایران نزدیک شده و عمان می‌تواند در بازگشایی تنگه هرمز نقش مفیدی داشته باشد. اکنون این کشور کوچک خلیج فارس خود را در مرکز تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگ یافت. اکو ایران نوشت؛ با این حال، این توافق هم چنان دور از دسترس به نظر می‌رسد و ناامیدی رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، از بن‌بست کنونی او را بر آن داشت تا روز دوشنبه عمان را تهدید به بمباران کرده و ادعا کند که این کشور ممکن است مانعی برای دستیابی به توافق باشد. ترامپ روز دوشنبه در دفتر بیضی شکل به خبرنگاران گفت: «فکر نمی‌کنم آنها خیلی خوب رفتار کرده باشند و ما به راحتی مانند دیگران با آنها رفتار خواهیم کرد»، هر چند به جزئیات آن چه مقامات عمانی انجام داده و باعث خشم او شده، اشاره نکرد.

جدیدترین هدف!

مقامات آمریکایی به وال استریت ژورنال گفته‌اند که موضع عمان مبهم است. به گفته مقامات آمریکایی، این مذاکرات در حال پیشرفت است و می‌تواند فشار بر بازار جهانی انرژی را کاهش دهد. اما نگرانی‌های مداومی در دولت ترامپ وجود دارد مبنی بر این‌که عمان می‌تواند به ایران در دستیابی به یک توافق به نفع تهران کمک کند و این امر خشم ترامپ را تشدید می‌کند. عمان جدیدترین کشوری است که از نظر ترامپ به دلیل عدم کمک برای پایان دادن به مناقشه ایران خشم ترامپ را برانگیخته است. ساعاتی پیش از این ماجرا هم، او دستور داد رزمایش نظامی مشترک آمریکا و کره جنوبی متوقف شود زیرا به اعتقاد ترامپ، سئول به باز کردن تنگه هرمز کمک نکرده است. ترامپ با یادآوری گفت‌وگویش با لی جائه میونگ، رئیس جمهور کره جنوبی، گفت: «می‌خواهید کمی به ما کمک کنید؟» و سپس تأکید کرد که آمریکا در واقع به هیچ کمکی نیاز ندارد. او افزود: «او گفت: «نه، ممنون». «و من گفتم، یک لحظه صبر کنید: ما ۳۹۰۰۰ سرباز آنجا داریم که از شما در برابر کیم جونگ اون، همسایه بغلی‌تان، محافظت می‌کنند، و شما قرار نیست در یک عملیات نظامی بسیار آسان در ایران به ما کمک کنید؟ این عجیب است». ترامپ هم چنین از این مسئله شکایت دارد که متحدان اروپایی مانند بریتانیا و اسپانیا به اندازه کافی برای مقابله با ایران تلاش نکرده‌اند، که تکرار شکایت متداول او مبنی بر این است که متحدان بیشتر از آنچه به آمریکا می‌دهند، از این کشور می‌گیرند.

بدون هیچ گزینه خوب

نیویورک تایمز هم در این رابطه نوشت، جدیدترین تهدید ترامپ علیه عمان، که سال‌هاست مذاکرات بین آمریکا و ایران را تسهیل کرده و در ظاهر یک میانجی بی‌طرف است، در حالی صورت گرفت که ترامپ برای رسیدن به اهدافی که در آغاز جنگ تعیین کرده بود، اهرم چندانی در اختیار ندارد. به گفته نیت سوانسون، از پروژه استراتژی ایران در شورای آتلانتیک: «در نهایت، تهدیدات او علیه عمان فقط بازتابی از ناامیدی او از وضعیتی است که ایجاد کرده، جایی که هیچ گزینه خوبی ندارد. او فقط به طور واکنشی حمله می‌کند و این بار عمان در تیررس قرار گرفت». اظهارات اخیر ترامپ در شرایطی رخ داد که ضرب‌الاجل آتش‌بسی که از پیش هم فروپاشیده بود در روز دوشنبه از راه رسید. به گفته جاستین لوگان، مدیر مطالعات دفاعی و سیاست خارجی در موسسه کیتو: «این توافق عمدتاً نمادین بود، اما نمادها اهمیت دارند». او تأکید کرد که عملکرد اصلی این توافق‌نامه بازگشایی تنگه هرمز، خط کشتیرانی حیاتی در خلیج فارس بود که در طول جنگ بسته شد و آمریکا اکنون برای بازگشت به وضعیت خاورمیانه قبل از شروع جنگ، با تمام قوا تلاش می‌کند. به باور سوانسون، چند گزینه پیش روی ترامپ برای حل‌وفصل جنگ وجود دارد. به گفته او، آمریکا می‌تواند به سیاستی که ترامپ آن را فشار اقتصادی «بی‌سروصدا» نامیده، ادامه دهد، که تاکنون نتیجه‌ای نداشته است؛ یا با وجود کاهش ذخایر مهمات حیاتی یک کمپین نظامی علیه ایران را تشدید کند؛ یا به مذاکرات بازگردد تا به توافقی مشابه آنچه هر دو طرف آن را رها کرده‌اند، دست یابد؛ و یا به طور یک طرف به طور کامل از کل جنگ خارج شده و از متحدانش در خلیج فارس بخواهد که مسئله تنگه هرمز را رفع و رجوع کنند.

غافلگیری استراتژیک

در این شرایط، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران هم در حال تغییر استراتژی است. اعلام موضع تهاجمی‌تر از سوی تهران پس از آن صورت گرفته که ترامپ ادعا کرد آمریکا به زودی تنگه هرمز را به قلمرو خود تبدیل خواهد کرد. به نوشته الجزیره، مقامات ایرانی اعلام کرده‌اند که با پایان یافتن مهلت تعیین شده در تفاهم‌نامه ماه ژوئن با واشنگتن، ممکن است به رویکرد تهاجمی‌تری در جنگ با آمریکا روی آورند. سرتیپ یدا... جوانی، رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گفته که نیروهایش آماده‌اند هر اقدامی را که برای دفاع از کشور لازم باشد، انجام دهند. جوانی گفت: «دشمن جنگ را آغاز کرد و تلاش‌های ما دفاعی بوده است، اگرچه ممکن است جنبه تهاجمی به خود بگیرد». او توضیح بیشتری در مورد اینکه اقدامات تهاجمی دقیقاً چه چیزی می‌تواند به همراه داشته باشد، نداد، اما گفت که مخالفان باید انتظار «غافلگیری‌های استراتژیک» را داشته باشند.

از دفاع به تهاجم

این در حالی است که خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام ارشد ایرانی ادعا کرد که اگر آمریکا نتواند ظرف چند هفته به طور کامل توافق موقت با تهران را اجرا کند، تنش‌ها در تنگه هرمز و فراتر از آن تشدید شده و حملات آغاز خواهد شد. رویترز ادعا کرده این مقام گفته اگر آمریکا به این مهلت پایبند نباشد و دیپلماسی شکست بخورد، تهران یک حمله نظامی «به موقع و دقیق» برای شکستن محاصره دریایی آمریکا علیه ایران انجام خواهد داد. تلاش‌های دیپلماتیک برای احیای مذاکرات تحت توافق ژوئن در هفته‌های اخیر متوقف شده است.